



تائو تِ چینگ - یا دائو دِ چینگ - را می توان کتاب طریقت هم نامید. درباره لائوتزو - نویسنده ی آن - اطلاعات دقیقی در دست نیست. گفته می شود او در زمان کنفوسیوس، حدود پانصد سال پیش از میلاد مسیح، در چین زندگی می کرده و به سمت بایگان در دربار یکی از پادشاهان آن زمان مشغول بوده است.

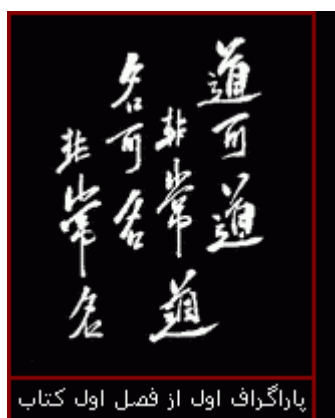
با این وجود معنایی که برای این نام گمان می رود پسر پیر است. آن چه از او باقی مانده، همین کتاب است؛ راهنمای هنر زندگی و خرد ناب - یکی از عجایب باقی مانده از روزگاران کهن.



تصویر خیالی لائوتزو بر پارچه



ترجمه فرشید قهرمانی



پاراگراف اول از فصل اول کتاب



تصویر خیالی لائوتزو سوار بر گاو

تائو تِ چینگ Tao Te Chin یا به روش پین بین دائو دِ جینگ (De jing Dao) یک اثر فلسفی - ادبی دیرینه سال چینی است که طی قرون و اعصار در جان های چینیان و نیز در جان های بسیاری از ملت ها و مردمان دیگر تاثیر عمیقی داشته است، که به حجم اندک آن نمی آید. تائو تِ چینگ را کتاب پنج هزار واژه نگاره ای (character) نیز نامیده اند، هرچند به قولی بیش از ۵۰۰۰ و کم از ۶۰۰۰ واژه نگاره دارد.

متن تائو تِ چینگ شامل هشتاد و یک فصل است و آن را از باستان به دو کتاب تقسیم کرده اند، و این تقسیم بندی کمابیش از قرن اول میلادی رایج بوده است. کتاب اول شامل سی و هفت فصل اول و کتاب دوم شامل چهل و چهار فصل بعدی است.

گویا عنوان " تائو تِ چینگ " از اینجا سرچشمه گرفته است که فصل اول از کتاب اول با "تائو" آغاز می شود، و اولین واژه هم از کتاب دوم (فصل ۳۸) "تِ" است، به شرط آن که صفت "شانگ" به معنی "برترین" یا "برین" را که با آن همراه است نادیده بگیریم.

"تائو" یعنی راه و روش یا قانون حاکم بر هستی و حیات و "تِ" به معانی فضیلت، نفوذ و نیروی اخلاق است. این واژه، در خط چینی، از سه نشانه ترکیب یافته که یکی به معنای "رفتن"، دیگری به معنای "مستقیم" یا "سراسر" و سومی به معنای "دل" است. وقتی این سه نشانه با هم گذاشته می شوند معنی "راه سپردن در خط مستقیم درک درونی" را می دهد. "چینگ" به معنی "متن" یا "نوشته" است. پس روی هم رفته تائو تِ چینگ را می توان به صورت "متن پیروی مستقیم از راه و روش هستی و حیات به راهنمایی درک درونی (دل)" ترجمه کرد.

دوئی ونداک، چین شناس هلندی، می نویسد: هشتاد و یک فصل بودن تائو تِ چینگ امری تصادفی نیست، چون ۳\*۳\*۳ در مکتب تائو عدد مقدسی است و مسلم است که این تقسیم بندی حساب شده در دوره سلسله "هان" (۲۰۶ ق.م تا ۲۲۱ م) یا اندکی پس از آن پدید آمد.

نظر سنتی این است که تائو تِ چینگ را فرزانه ای نوشته که به لائوتزو مشهور است. او را معاصر کنفوسیوس (۵۵۱ - ۴۷۹ ق.م) و از او مسن تر دانسته اند. کهن ترین کتابی که در آن شرحی از این سنت آمده شرح حال لائوتزو است. آمده:

لاؤتوزه اهل روستای چپو ژن بود، در قریه ی لی هو سیان، در امیر نشین جو. تاریخنگار دربار جو و مسئول بایگانی آن بود. در اواخر عمر دراز خود، سرخورده از بی میلی مردم به پیروی از راه و روش هستی و حیات، تنها سوار بر گاو میشی راه بیابان در پیش می گیرد و در جانب غرب و در جهت فراسوی دنیای متمدن زمان خود راه می سپرد. وقتی به یکی از دروازه های دوردست کشور خود می رسد دروازه بانی به نام "ین هسی" که آن حکیم را به خواب دیده بود اورا می شناسد و مصرانه از او می خواهد و ترغیبش می کند تا از تصمیم خود مبنی بر اینکه اصول فلسفه خویش را ننویسد و نگاه ندارد منصرف گردد. این شد که لائوتوزه رساله ای در دو بخش فراهم آورد، در معنای راه و فضیلت، مشتمل بر در حدود پنج هزار کلمه. آن را روشنگری کرد و رفت. کسی از فرجام او چیزی نمی داند.

تائو ت چینگ را در شمار آثار ادبی نیز آورده اند و آن را شعر شمرده اند. اما واقعیت آن است که آن را خاصه به معیارهای امروزی نمی توان شعر نامید، هر چند در بعضی از فصل ها، رگه هایی از شعر، در حال و هوای شعر عرفانی ما، دیده می شود. این کتاب را باید در شمار آثار فلسفی آورد و بیش تر کتابی است در علم سیاست یا در آیین کشورداری بر بنیاد فلسفه ی دائوی؛ نوعی فلسفه ی سیاست است که اصول دائوی را به کار می بندد.

از این کتاب ترجمه های مختلفی در ایران چاپ شده که اغلب از روی ترجمه انگلیسی، به فارسی ترجمه شده اند. از میان ترجمه معتبر فارسی می توان به ترجمه ی بسیار زیبای "هرمز ریاحی و بهزاد برکت" که تحت کتابی با عنوان "دائو د جینگ" (ویرایش دوم) توسط انتشارات فکر روز چاپ شده اشاره کرد.

هفتاد و یک

دانایی به نادانی، توانایی است.

نادانی به نادانی، پریشانی.

پریشان از پریشانی، پریشان نیست.

فرزانه است.

همانطور که از مثال پیداست این ترجمه دارای نثری ادبی است که ممکن است خواننده ی مبتدی را در پیچ و خم نثری ادبی گم کند و از فهم کتاب به بیراهه بکشاند. به همین دلیل بنده از ترجمه روان تر "فرشید قهرمانی" که تحت عنوان "تائو ت چینگ" توسط "نشر سیاه مشق" و در قطع جیبی چاپ شده استفاده کرده ام.

ندانستن، دانش راستین است.

تلاش برای انباشتن دانش، بیماری است.

ابتدا بدانید که بیمارید،

سپس برای سلامتی کوشش کنید.

فرزانه طبیب خود است.

او خود را از تمام دانسته هایش رها نموده

پس در حقیقت یکپارچه و کامل است.

کلام حقیقت عاری از آراستگی

و کلام آراسته از حقیقت خالی است.

خردمندان نیازی نمی بینند تا منظورشان را اثبات کنند؛

آنان که سعی در اثبات نظرات شان دارند از خرد بویی نبرده اند.

فرزانه دارایی ای ندارد.

هرچه بیشتر به دیگران یاری می رساند،

شادتر می شود.

هرچه بیشتر به دیگران می بخشد،

غنی تر می شود.

تأثوبی اصرار و پافشاری، قوت می بخشد.

فرزانه با رها کردن میل به تسلط، رهبری می کند

اگر کشوری خردمندانه اداره شود،  
ساکنانش خوشنود خواهند بود.  
از دسترنج شان لذت می برند  
و از آن جایی که خانه هایشان را دوست دارند  
علاقه به سفر را از دست می دهند.  
ممکن است در این کشور چند وسیله ی نقلیه و قایق وجود داشته باشد  
ولی به جایی نمی رود.  
ممکن است انبارهای ادوات جنگی وجود داشته باشند  
ولی کسی از آن ها استفاده نمی کند.  
مردم از خوراکشان لذت می برند  
و از زندگی با خانواده هایشان شادند.  
تعطیلات را در باغچه هایشان سپری می کنند  
و از کمک به همسایگان خوشنود می شوند.  
حتی اگر کشور همسایه به قدری به آن ها نزدیک باشد که  
صدای خروس ها یا پارس سگ هایشان را به سادگی بشنوند،  
از این که بدون سفر کردن به کشور همسایه در سن پیری بمیرند،  
راضی اند.

۷۹

شکست یک فرصت است.  
اگر دیگری را مقصر بدانی،  
پایانی برای مقصر دانستن دیگران وجود نخواهد داشت.  
فرزانه به وظایفش عمل می کند  
و اشتباهاتش را اصلاح می نماید.

او آن چه ضروری است را به انجام می‌رساند  
و از دیگران چیزی طلب نمی‌کند.

۷۸

هیچ چیز در این جهان  
چون آب، نرم و انعطاف پذیر نیست.  
با این حال برای حل کردن آن چه سخت است  
چیز دیگری یارای مقابله با آب را ندارد.  
نرمی بر سختی غلبه می‌کند  
و لطافت بر خشونت.  
همه این را می‌دانند  
ولی کمتر کسی به آن عمل می‌کند.  
فرزانه هنگام غم، آرام باقی می‌ماند.  
بدی به دل او راهی ندارد.  
چون کمک کردن را ترک کرده  
بزرگترین کمک مردم است.  
کلام حقیقت متناقض به نظر می‌رسد.

۷۷

عملکرد تائو در جهان همانند کشیدن کمان است؛  
دو سر کمان به پایین کشیده می‌شود و میانش بالا می‌آید؛  
از زیاد کم می‌کند و به کم می‌بخشد.  
آنان که سعی در تسلط دارند  
و برای حفظ قدرت از زور استفاده می‌کنند  
و خلاف جهت تائو حرکت می‌کنند،

از کسانی که چیزی ندارند می گیرند  
و به کسانی که بیش از اندازه دارند، می دهند.  
فرزانه بی وقفه می بخشد  
زیرا آن چه دارد بی پایان است.  
او بدون انتظار عمل می کند  
و هرگز تصور نمی کند بهتر از کسی است.

۷۶

انسان نرم و لطیف زاده می شود  
و به هنگام مرگ خشک و سخت می شود.  
گیاهان هنگامی که سر از خاک بیرون می آورند نرم و انعطاف پذیرند  
و به هنگام مرگ خشک و شکننده.  
پس هر که سخت و خشک است  
مرگش نزدیک شده  
و هر که نرم و انعطاف پذیر  
سرشار از زندگی است.  
سخت و خشک می شکند.  
نرم و انعطاف پذیر باقی می ماند.

۷۵

وقتی مالیات ها زیادند،  
مردم گرسنه می مانند.  
وقتی حکومت مختلف است،  
مردم روحیه خود را از دست می دهند.  
به سود مردم عمل کنید.

به آن‌ها اعتماد کنید و تنه‌ایشان بگذارید.

۷۴

اگر بدانید همه چیز در تغییر است،

به هیچ چیز دل نمی‌بندید.

اگر از مرگ نهراسید،

چیزی نیست که نتوانید به دست آریدش.

سعی در تسلط بر آینده

مانند این است که بخواهید یک شبه، استاد نجاری شوید.

وقتی ابزار نجاری را در دست دارید،

ممکن است حتی دستتان را قطع کنید.

۷۳

تاؤ همیشه در آرامش است.

بدون رقابت غلبه می‌کند،

بدون سخن گفتن پاسخ می‌دهد،

بدون فراخوانده شدن حضور می‌یابد

و بی‌نقشه، تکمیل می‌کند.

توری که گسترده جهان را در بر دارد.

با وجود شکاف‌های بزرگ این تور

چیزی نمی‌تواند از آن فرار کند.

۷۲

وقتی دیگر به خود اعتماد نداری

به قدرت دل می‌بندی.



فرزانه به عقب گام می نهد

تا مردم دچار سردرگمی نشوند.

او بدون آموزش دادن، آموزش می دهد

تا برای مردم چیزی برای یادگرفتن وجود نداشته باشد.

۷۱

ندانستن، دانش راستین است.

تلاش برای انباشتن دانش، بیماری است.

ابتدا بدانید که بیمارید،

سپس برای سلامتی کوشش کنید.

فرزانه طیب خود است.

او خود را از تمام دانسته هایش رها نموده

پس در حقیقت یکپارچه و کامل است.

۷۰

آموزش های من ساده اند.

عمل کردن به آن ها راحت است؛

با وجود زیرکی تان از آن ها سر در نمی آورد

و اگر سعی در عمل کردن به آن ها کنید، شکست می خورید.

آموزش های من از جهان هم قدیمی تر است.

چگونه می توانید معانی آن ها را دریابید؟

اگر می خواهید مرا بشناسید،

به عمق دل خود بنگرید.

۶۹

در میان سرداران مثلثی هست می گوید:

" قبل از اولین حرکت، بهتر است صبر کنید و خوب اوضاع را بررسی کنید.

قبل از یک متر پیشروی بهتر است هزار متر عقب نشینی کنید. "

این یعنی پیشروی بدون جلو رفتن

و عقب راندن بدون استفاده از ابزار جنگی.

هیچ شکستی بدتر از دست کم گرفتن دشمنان نیست.

دست کم گرفتن دشمن یعنی این که تصور کنیم او بد است؛

به این ترتیب سه گنج خود را نادیده می گیرید

و به دشمن خویش تبدیل می شوید.

وقتی دو نیروی قوی رودروری هم قرار می گیرند،

پیروزی از آن کسی است که می داند چگونه تسلیم شود.

۶۸

بهترین ورزشکار

دوست دارد حریف مقابلش در بهترین وضعیت باشد.

بهترین سردار

به ذهن دشمنش رخنه می کند.

بهترین تاجر

در خدمت همه ی اجتماع است.

بهترین رهبر

پیرو خواست مردم است.

همه این ها نشان از برتری رقابت نکردن دارد.

نه این که دوست ندارند رقابت کنند

که با روحیه بازیگوشی رقابت می کنند.

درست همانند کودکان؛

در هماهنگی با تائو

۶۷

برخی می گویند آموزش های من بی معنی است.

برخی دیگر آن را رفیع ولی غیر عملی می دانند

ولی برای کسانی که به درون نگریسته اند،

همین آموزش های بی معنی، پر معنی است

و برای کسانی که به آن عمل می کنند همین بلندی در عمق جانیشان ریشه می گیرد.

من تنها سه چیز را آموزش می دهم؛

سادگی، شکیبایی و شفقت.

این سه گرانبهاترین گنج ها هستند.

ساده در اعمال و افکار،

به منبع وجود باز می گردید.

شکیبا با دوستان و دشمنان هردو،

با همه چیز هماهنگی می یابید.

مهربان با خود

به همه ی موجودات جهان در صلح و آشتی خواهید بود.

۶۶

همه ی رودها به دریا می ریزند

زیرا دریا از آن ها فروتر است.

فروتنی به دریا قدرت می بخشد.

اگر می خواهید زندگی مردم را سامان ببخشید،

فروتر از آن ها قرار بگیرید.

اگر می خواهید مردم را رهبری کنید،

یاد بگیرید چگونه از آن ها پیروی کنید.

فرزانه بالاتر از دیگران است

در حالی که کسی احساس کوچکی نمی کند.

او جلوتر از دیگران است

در حالی که کسی احساس زیر دست بودن نمی کند.

دنیا از او سپاسگذار است.

با کسی رقابت نمی کند

و کسی نیز با او به رقابت نمی پردازد.

۶۵

فرزانگان کهن

سعی در آموزش مردم نداشتند

که با مهربانی به آن ها ندانستن را درس می دادند.

وقتی مردم فکر می کنند که جواب ها را می دانند،

راهنمایی کردنشان سخت است.

وقتی می دانند که نمی دانند،

می توانند راهشان را بیابند.

اگر می خواهید یاد بگیرید چگونه امور مختلف را اداره کنید،

از ثروتمند شدن یا زرنگ بودن پرهیز کنید.

ساده ترین الگو واضح ترین است.

اگر به زندگی ساده و عادی راضی باشید،

می توانید راه را به دیگران نشان دهید

آن چه ریشه دارد آسان تغذیه می شود،  
آن چه به تازگی رخ داده آسان اصلاح می شود.  
آن چه خشک و سخت است آسان می شکند.  
آن چه کوچک است آسان گسترده می شود.  
از مشکلات قبل از روی دادنشان جلوگیری کنید.  
به هر چیز قبل از به وجود آمدن نظم بدهید.

درخت کاج عظیم

از بذری کوچک می روید

و سفر هزار فرسنگی

با یک گام آغاز می شود.

با عجله در عمل شکست می خورید.

با سعی در فهمیدن مسائل را از دست می دهید.

با زور زدن برای تکمیل کاری،

آن چه به تقریب کامل بود را خراب می کنید.

فرزانه با جازه دادن به روند طبیعی رخدادها

اقدام می کند.

او در پایان به همان آرامی است که در ابتدای کار.

او هیچ ندارد

پس چیزی را برای از دست دادن برایش وجود ندارد.

آرزوی او رهایی از آرزوهاست.

آن چه فرا می گیرد رهایی از آرزوهاست.

او به مردم یادآوری می کند

که چه کسی بوده اند.

برای او هیچ چیز به جز تائو اهمیت ندارد

پس می تواند مراقب همه چیز باشد.

۶۳

در بی عملی عمل کنید.

بدون تلاش کار کنید.

کوچک را بزرگ شمارید

و کم را زیاد.

با سخت هنگامی که ساده است، رودررو شوید.

کارهای بزرگ را به قطعات کوچک تقسیم کنید و سپس آن را به انجام برسانید.

وقتی فرزانه به مشکلی بر می خورد،

متوقف می شود و خود را وقف مشکل می کند.

او به رفاه خود دلبسته نیست

پس مشکلات برای او مشکل نیستند.

۶۲

تائو مرکز هستی است.

تائو گنج انسان نیک است

و پناه انسان بد.

افتخار با سخنان نیکو خریدنی است،

احترام با اعمال نیکو

ولی تائو ورای هر ارزشی است

که هیچ کس نمی تواند آن را تصاحب کند.

هنگامی که رهبری جدید انتخاب می شود،

با ثروت و مهارت خود به او کمک نکنید

بلکه به او تائو را آموزش دهید.

چرا فرزندان کهن تائو را گرامی می داشتند؟

زیرا در یگانگی با تائو

با جستجو کردن، می یابید

و هنگامی که اشتباهی مرتکب می شوید، بخشوده می شوید؛

به همین دلیل همه تائو را دوست دارند.

۶۱

وقتی کشوری قدرت به دست می آورد

همانند دریا می شود؛

همه ی جریان ها به سوی او سرازیر می شود.

هر چه قدرت این کشور بیشتر شود،

بیشتر نیازمند تواضع و فروتنی است

فروتنی یعنی اعتماد به تائو

و از میان رفتن نیاز به دفاع از خود.

ملت بزرگ مانند مردی بزرگ است؛

وقتی اشتباهی مرتکب می شود، متوجه آن می شود

و آن را می پذیرد.

با پذیرش اشتباه، آن را اصلاح می کند.

کسانی که نقص هایشان را به او گوشزد می کنند،

آموزگاران مشفق خویش می داند

و دشمنانش را سایه ی خویش.

اگر حکومتی در تائو متمرکز شود،

ملت خود را تغذیه کند

و در امور دیگران دخالت نکند؛

الگویی برای دیگر کشورها در سرتاسر دنیا خواهد بود.

۶۰

اداره ی کشوری بزرگ

چون سرخ کردن ماهی ای کوچک است؛

با دستکاری بیش از حد، به حتم کار را خراب می کنی،

کشورت را در تائو متمرکز کن

و بدی دیگر قدرتی نخواهد داشت؛

نه این که از میان برود

ولی به سادگی می توانی از راهش به در آیی.

بهبانه ای به بدی برای مخالفت مده

و بدی خود به خود از میان می رود.

شما می توانید متن کامل تائو ت چینگ ترجمه فرشید قهرمانی را از کتاب فروشی ها تهیه نمایید.

**تائو ت چینگ**

**ترجمه فرشید قهرمانی**

**نشر چشمه**